

مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی

غلامعباس توسلی*

مرضیه موسوی**

چکیده

مفهوم سرمایه، یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر است. این مفهوم طی چهاردهه گذشته دست‌خوش تحولاتی گردیده است که به واسطه آن‌ها شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه نظیر سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می‌باشیم. در این میان، سرمایه اجتماعی که اخیرترین در نظریه‌های جدید سرمایه به شمار می‌آید در عین آن که پیوستگی مفهومی خود را به دلیل بعضی مضامین مشترک با سرمایه در معنای کلاسیک و جدید خود حفظ نموده، اما بیشتر از اشکال دیگر سرمایه حالتی استعاره‌ای داشته و نیز از عینیت کم‌تری برخوردار است؛ ضمن این که در ادبیات نظری و تجربی مربوطه، این مفهوم گاهی اوقات در معانی بسیار متفاوت و کارکردهای بسیار متنوع به کار رفته است. از این رو، بازنگری این مباحث برای مقایسه و طبقه‌بندی تعاریف، کارکردها و در نهایت رویکردهای نظری مطرح در این حوزه، خصوصاً به دلیل نبودن این مفهوم حایز اهمیت است. انجام این مهم هدف مقاله حاضر می‌باشد.

*- استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. / g_tavassoli@yahoo.com

** - استادیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء. / mar_mousavi@alzahra.ac.ir

واژگان کلیدی: سرمایه، سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، موقعیت‌های شبکه‌ای، اعتماد و همیاری.

مقدمه

سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر به عنوان یک دیدگاه نظری مؤثر پذیرش گسترده‌ای را به دست آورده، و این در حالی است که در مورد تعاریف کلیدی اجماع نظری در میان متفکران این حوزه حاصل نگردیده است.

ره‌یافت‌های نظری در این حوزه عموماً بر بازدهی سرمایه در قالب سرمایه اجتماعی به عنوان یک فرآیند سرمایه‌گذاری اذعان دارند اما این بازدهی در برخی مباحث برای فرد در نظر گرفته شده در برخی دیگر برای جمع تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی گاهی اوقات دارای فرد به شمار می‌آید. در آن صورت به شبکه‌های اجتماعی گسترده و منابع قابل دسترس برای فرد تأکید می‌گردد، و در مواردی دیگر به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری پرداخته می‌شود، و سرمایه اجتماعی دارای جمع قلمداد می‌شود. به همین ترتیب برحسب تعاریف متفاوت از سرمایه اجتماعی کارکردهای متنوعی نیز برای آن قابل تصور است. از همین رو مفهوم سرمایه اجتماعی موضوع مطالعات وسیع و متنوع نظری و تجربی در سال‌های اخیر بوده و ارتباط آن با سطوح توسعه سیاسی و اقتصادی در سطح کلان، و کارآمدی و موفقیت‌های فردی در سطح خرد، مورد بررسی قرار گرفته است.

این مقاله برای داشتن درک مناسب از سرمایه اجتماعی و جایگاه آن در ارتباط با نظریه‌های کلاسیک و جدید سرمایه، ابتدا به بررسی ماهیت سرمایه و نظریه‌های گوناگون سرمایه می‌پردازد و پس از آن با بررسی آرای صاحب‌نظران این حوزه و مقایسه آن‌ها با یکدیگر در جمع‌بندی نهایی، وجوه اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها را مشخص می‌کند.

سرمایه در مفهوم کلاسیک و جدید

مفهوم سرمایه را می‌توان از آرای مارکس دنبال کرد. در مفهوم پردازش مارکس، سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که سرمایه‌داران، کسانی که ابزار تولید را در اختیار دارند، از گردش کالاها و پول در فرایندهای تولید و مصرف آن را به دست می‌آورند. در این گردش، به کارگران در مقابل کار (کالاشان) دست‌مزد پرداخت می‌شود که به آن‌ها امکان می‌دهد کالاهایی (از قبیل غذا، مسکن و لباس) را برای ادامه حیات خود (ارزش مبادله) خریداری کنند. اما کالای

پردازش و تولید شده توسط سرمایه داران را می توان با قیمت بالاتری در بازار مصرف فروخت (ارزش مصرف کننده). در این تصویر از جامعه سرمایه داری، سرمایه بیانگر دو عنصر مرتبط اما متمایز است. از یک سو سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که به زعم مارکس توسط کارگران تولید شده اما نصیب سرمایه دار می شود. از سوی دیگر، سرمایه بیانگر یک سرمایه گذاری از سوی سرمایه گذاران (در تولید و گردش کالاها) به امید بازدهی و کسب سود در بازار است. سرمایه به عنوان بخشی از ارزش اضافی محصول یک فرآیند است؛ در عین حال سرمایه و ارزش اضافی حاصل از آن مرتبط با یک بازدهی / بازتولید فرآیند سرمایه گذاری و ارزش اضافی بیشتر هستند. و این طبقه مسلط است که سرمایه گذاری می کند و ارزش اضافی را نصیب خود می کند. بنابراین سرمایه در مفهوم مارکسی (کلاسیک) نظریه ای درباره روابط اجتماعی استثماری میان دو طبقه است (لین، ۱۹۹۹: ۱). از دهه ۱۹۶۰ به این سو، شاهد ظهور نظریه های جدید^۱ سرمایه هم چون سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی هستیم. اما به رغم تمام اصلاحات و جرح و تعدیل هایی که در این نظریه صورت گرفته، اندیشه اصلی مفهوم سرمایه یعنی «سرمایه گذاری با بازدهی موردانتظار» در همه نظریه های زیر مجموعه نظریه سرمایه حفظ شده است. در عین حال، تبیین طبقاتی مستتر در مفهوم کلاسیک سرمایه، به عنوان یک جهت گیری نظری ضروری، حذف شده است (همان: ۲-۳). به طور مثال نظریه سرمایه انسانی شولتز^۲ (۱۹۶۱) سرمایه را به مثابه سرمایه گذاری در آموزش با بازگشت سرمایه (سود) معین در نظر می گیرد. کارگران در مهارت های فنی و دانش سرمایه گذاری می کنند تا بتوانند با کسانی که فرآیند تولید (بنگاه ها و نمایندگی های آنها) را کنترل می کنند برای پرداخت به مهارت کارشان وارد مذاکره شوند. به همین ترتیب، سرمایه فرهنگی آن گونه که بوردیو^۳ (۱۹۹۰) توصیف کرده است بیانگر سرمایه گذاری های طبقه مسلط در بازتولید مجموعه ای از نمادها و معانی ای است، که توسط طبقه تحت سلطه، غلط درک و درونی شده و آنها را به مثابه نمادها و معانی طبقه خود پذیرفته اند. در این نظریه، سرمایه گذاری در کنش های آموزشی فرآیند بازتولید، هم چون تعلیم و تربیت، قرار دارد که هدف از آن تلقین توده ها و درونی کردن ارزش های این نمادها و معانی است. ولی این نظریه می پذیرد که توده ها (طبقه تحت سلطه) به عنوان عاملان اجتماعی می توانند سرمایه گذاری

1- Neo - Capital Theories

2- Schultz

3- Bourdieu

کنند و این نمادها و معانی را به دست آورند (حتی اگر با درک نادرست آنان همراه باشد). بدین ترتیب تصویر ساختار اجتماعی از مبارزه دو گانه آشتی ناپذیر، به تصویر گفتمان‌های لایه‌بندی شده تغییر می‌یابد. از طرف دیگر در نظریه‌های سرمایه جدید به جای این که سرمایه به عنوان بخشی از فرآیند استثمار طبقاتی در جامعه دیده شود (تحلیل سطح کلان)؛ به چگونگی سرمایه‌گذاری کارگران و عاملان به عنوان کنشگرانی که برای کسب ارزش افزوده کارشان در بازار سرمایه گذاری می‌کنند پرداخته می‌شود (تبیین سطح خرد) و کنش یا انتخاب به عنوان مؤلفه‌های مهم در نظریه‌های جدید سرمایه ظاهر می‌شوند. بنابراین در این نظریه‌ها یک گذر تبیینی از سطح تحلیل کلان به سطح تحلیل خرد مشاهده می‌شود. نظریه‌های جدید سرمایه هم چنین بر تعامل کنش‌های فردی و وضعیت‌های ساختاری در فرآیند سرمایه‌گذاری تأکید دارند (لین^۱، ۱۹۹۹: ۱ و ۲، ۱۸-۲). جدول ۱ تحول نظریه سرمایه را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نظریه‌های سرمایه

نظریه‌های سرمایه جدید			نظریه کلاسیک	
سرمایه اجتماعی		سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	
بورديو، کلمن، پاتنام	لین، کلمن	بورديو	شولتز	نظریه پرداز
هم‌بستگی و باز تولید گروه	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی	بازتولید نمادها و معانی (ارزشهای) مسلط	انباشت ارزش اضافی توسط کارگران	تبیین روابط اجتماعی: استثمار کارگران توسط سرمایه‌داران (بورژوازی)
سرمایه‌گذاری در تایید و پذیرش متقابل	سرمایه‌گذاری در شبکه‌های اجتماعی	درونی کردن یا درک نادرست از ارزش‌های مسلط	سرمایه‌گذاری مهارت‌ها و دانش فنی	الف- بخشی از ارزش اضافی بین ارزش استفاده (در بازار مصرف) و ارزش مبادله کالا (در بازار تولید-کار) ب- سرمایه‌گذاری در تولید و گردش کالاها
گروه / فرد	فرد	فرد / طبقه	فرد	سطح تحلیل ساختاری (طبقات)

منبع: لین ۱۹۹۹

تاریخچه مفهوم سرمایه اجتماعی و تعریف آن

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار گشته است. ولی ریشه استفاده از این اصطلاح به سال ۱۹۱۶ و به کاربرد اولیه آن توسط یک معلم جوان ترقی خواه به نام هنیفن^۱ بازمی‌گردد. او در بحث از مراکز اجتماعات مدارس روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع نمود. هنیفن هر دو وجه منافع خصوصی و عمومی سرمایه اجتماعی را برجسته کرد اما به‌رغم این نوآوری مفهومی توجهی را بر نیانگیخت و بدون هیچ اثری ناپدید شد (پاتنام و گاس^۲، ۲۰۰۲: ۴-۵). پس از آن مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به‌طور مستقل بازآفرینی شد. در دهه ۱۹۵۰ توسط سیلی^۳ و همکارانش برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلوبها، در دهه ۱۹۶۰ توسط جیکبز^۴ که برنامه‌ریز شهری بود برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای غیر رسمی همسایگی در کلان شهرهای جدید، و در دهه ۱۹۷۰ توسط لوری^۵ اقتصاددان، برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به کار گرفته شده است (همان: ۵).

به نظر می‌رسد لوری در مسیر جدال با نظریات اقتصاد ارتدکس، در رابطه با مسئله نیروی کار، به مفهوم سرمایه اجتماعی رسیده است. او معتقد است اجرای برنامه‌های «برابری فرصت‌ها» به خودی خود از نابرابری‌های نژادی نخواهد کاست و این نابرابری‌ها از نظر لوری به دو دلیل می‌توانند تا ابد ادامه یابند. دلیل اول، فقر موروثی والدین سیاه پوست است که به شکل سطح نازل‌تر امکانات مادی، و فقر فرصت‌های آموزشی به فرزندانشان انتقال می‌یابد. دلیل دوم ارتباط ضعیف کارگران سیاه پوست با بازار کار و بی‌بهره بودن آنان از اطلاعاتی درباره فرصت‌هاست. بنابراین، مفهوم سرمایه اجتماعی تنها تا جایی مورد بحث لوری واقع می‌شود که با تفاوت در میزان برخورداری از فرصت‌ها (از طریق ارتباطات اجتماعی) برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیت‌های نژادی رابطه پیدا می‌کند، ولی هیچ‌گونه برخورد نظام‌مندی با روابطی که بین این نوع سرمایه و سایر اشکال سرمایه برقرار است، مشاهده نمی‌شود (پورتس، ۱۹۹۸: ۴).

1- Hanifan

2- Putnam and Goss

3- Seely

4- Jacobs

5- Loury

اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن^۱ (۱۹۹۸) جامعه‌شناس آمریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) است پس از آن بوردیو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد و مطالعه پاتنام^۲ (۱۹۹۳) در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، خصوصاً از عوامل مؤثر در این گسترش می‌باشد.

سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود. البته بازار لفظی استعاره‌ای است و محدوده آن در تحلیل‌های گوناگون می‌تواند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا بازار کار باشد که در آن، افراد با درگیر شدن در تعاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد انتظار را تولید می‌نمایند (لین، ۲۰۰۱: ۲۱). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به کار گیرد، از آن‌ها بهره بگیرد و یا برای منافع مادی استفاده نماید. البته این مسئله برای گروه، بیشتر صدق می‌کند. اجتماعاتی که از نعمت مجموعه گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی برخوردار هستند، در یک وضعیت محکم‌تری در مواجهه با فقر، آسیب‌پذیری و حل منازعات قرار دارند و بهتر می‌توانند از فرصت‌های جدید بهره ببرند (پاتنام و گاس، ۲۰۰۲: ۹).

با ملاحظه مضامین فوق، برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مفهوم سرمایه اجتماعی بحث جدیدی نیست و این مفهوم را می‌توان با عباراتی متفاوت در دیدگاه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی نظیر دورکیم و مارکس نیز یافت. از این نظر، این موضوع که مشارکت فرد در امور جمعی به نتایج مثبتی برای فرد و جامعه‌اش می‌انجامد، از آغاز مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. اما پورترس قدرت نوآورانه و اکتشافی این مفهوم را در دو چیز می‌بیند:

«نخست آنکه این مفهوم بر پیامدهای مثبت معاشرت‌پذیری^۳ متمرکز است و ویژگی‌های کمتر جالب توجه آن را کنار می‌گذارد. دوم آنکه پیامدهای مثبت را در چارچوب فراخ‌تر بحث سرمایه جای می‌دهد و توجه را به این نکته جلب می‌کند که چطور چنین اشکال غیر پولی،

1- Coleman

2- Putnam

3- Sociability

درست مثل حجم دارایی‌ها یا حساب بانکی، می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و اثربخشی باشند. قابلیت کارکردی بالقوه منابع متنوع سرمایه، فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد و هم‌زمان توجه سیاست‌گذاران را که به دنبال راه‌حل‌های کم‌هزینه و غیر اقتصادی برای حل مسائل اجتماعی هستند جلب می‌کند» (پورتس ۱۹۹۸: ۲).

به منظور دریافت بهتر این مفهوم در برداشت‌های متفاوت، دیدگاه‌های صاحب نظرانی را که مباحث آن‌ها در زمینه سرمایه اجتماعی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی در دهه اخیر الهام‌بخش بوده و رویکردهای نظری اصلی را شکل داده است مرور می‌نماییم.

پیر بوردیو^۱

بوردیو در بحث از انواع سرمایه به سه نوع سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی اشاره دارد و تقلیل انواع سرمایه به سرمایه اقتصادی را، که جهان مبادلات را به مبادله تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری می‌داند. از نظر او توضیح ساختار و کارکرد جهان اجتماعی غیرممکن است مگر آنکه سرمایه نه فقط به همان شکلی که نظریه اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی اشکال آن از نو شناخته و معرفی شوند (بوردیو، ۱۹۹۷: ۱). بوردیو خود آن‌ها را چنین معرفی می‌کند:

«سرمایه بسته به حوزه فعالیت آن، می‌تواند خود را به سه شکل بنیادی در آورد:

۱- به عنوان «سرمایه اقتصادی» که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و می‌توان

آن را به شکل حقوق مالکیت نهادینه کرد؛

۲- به عنوان «سرمایه فرهنگی» که بسته به شرایط معین قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی

است و می‌توان آن را به شکل کیفیت‌های آموزشی نهادینه کرد؛ و

۳- به عنوان «سرمایه اجتماعی» که از تعهدات (روابط) اجتماعی تشکیل شده و در

شرایطی معین به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و می‌توان آن را به شکل القاب اشرافی (در شکل اصالت و شهرت) نهادینه کرد (همان: ۳-۱).

بوردیو دو مورد سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی را اشکال جدید سرمایه می‌نامد. وی

از این طریق می‌کوشد در نظریه عمومی باز تولید اجتماعی^۲ جوامع پیش‌رفته صنعتی، فرآیندهایی را مشخص نماید که بر اساس آن نظم و محدودیت اجتماعی در جامعه توسط ساز

1- Pierre Bourdieu

2- Social Reproduction

و کارهای غیرمستقیم فرهنگی (خشونت نمادین^۱) و نه کنترل اجتماعی مستقیم و قهرآمیز تولید می شود (جنکینز، ۱۹۹۲: ۱۰۴).

سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و خود او آن را چنین تعریف می کند:

«سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می کند که آنان را مستحق «اعتبار» به معانی مختلف کلمه می کند» (بوردیو، ۱۹۹۷: ۵۱).

بنابراین از نظر بوردیو ایجاد و اثر بخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیا و نهادها بنیان نهاده‌اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت، انجمن، حزب) و مجموعه‌ای کامل از کنش‌ها برای نهادینه کردن، نظیر مبادلات مادی و نمادی تضمین شود. از نظر بوردیو مقدار سرمایه اجتماعی در تملک هر عامل اجتماعی به دو امر وابسته است:

اول) اندازه شبکه ارتباطاتی که عامل اجتماعی به خوبی بتواند آن‌ها را بسیج نماید.
دوم) مقدار سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی) هر یک از کسانی که عامل اجتماعی با آن‌ها در ارتباط است.

او با تصریح تفاوت میان سرمایه اجتماعی با منابع چنین می نویسد:

«اگر چه سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تملک هر یک از عاملان، یا حتی مجموعه کامل عاملانی که با فرد در ارتباط هستند قابل تقلیل نیست، با این حال هرگز به طور کامل از آن مستقل نمی باشد» (همان: ۵۱).

به اعتقاد بوردیو سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط یک ودیعه^۲ طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی وقفه به دست می آید. به عبارت دیگر، شبکه روابط محصول راهبردهای سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا باز تولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در

1- Symbolic Violence

2- Given

کوتاه یا بلند مدت قابل استفاده هستند. بورديو توجه خود را بر فوایدی که از برکت مشارکت در گروه‌ها نصیب افراد می‌شود، به تعبیر خود «معاشرت‌پذیری عمدی با هدف دسترسی به منابع اجتماعی»، متمرکز می‌سازد، ولی معتقد است برخورداری افراد از منافع گروهی به واسطه موقعیت آن‌ها در گروه یکسان نیست:

«هر گروه شکل‌های کم و بیش نهادینه نمایندگی خود را داراست که آن را قادر می‌سازد تمامی سرمایه اجتماعی‌اش را که شالوده هستی گروه است در دستان یک عامل واحد، یا گروه کوچکی از عاملان متمرکز کند. گروه با کمک این سرمایه جمعی قدرتی را اعمال می‌کند که با سهم شخص عامل نامتناسب است» (همان: ۵۳)، وی در جای دیگر می‌نویسد: «افراد مختلف از طریق نمایندگی گروه‌ها و بسته به میزان سرمایه آن سودهای بسیار نابرابر از سرمایه تقریباً برابراقتصادی، فرهنگی به دست می‌آورند؛ چرا که ساز و کارهای تفویض اختیار و نمایندگی - که به منزله شرط تمرکز سرمایه اجتماعی معنا می‌یابد - بذره‌های حیف و میل و سوءاستفاده از سرمایه‌ای را که گروه گرد می‌آورد، نیز در خود دارد» (همان: ۵۴). بنابراین نابرابری و رقابت بر سر منابع نه تنها میان طبقات و گروه‌های ممتاز در جامعه، بلکه در درون گروه‌ها و در میان افراد نیز جریان دارد و لذا سرمایه اجتماعی از نظر بورديو ابزاری است که وضعیت گروه و در نتیجه فرد را باز تولید می‌نماید.

بورديو بر قابلیت تبدیل انواع مختلف سرمایه تأکید داشته و سرمایه اقتصادی را ریشه انواع دیگر سرمایه می‌داند و به تعبیر لین (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی در نظر بورديو لباس مبدل برای سرمایه اقتصادی می‌باشد. گرچه بورديو معتقد است که «شکل‌های دگرگون شده و تغییر چهره داده سرمایه اقتصادی هرگز تماماً قابل تقلیل به این تعریف نیست» (همان: ۵۵). بنابراین به کمک سرمایه اجتماعی، کنشگران قادر هستند مستقیماً به منابع اقتصادی (وام‌های یارانه‌ای، بازارهای حمایت شده) دست یابند. به علاوه آن‌ها می‌توانند سرمایه فرهنگی خود را از طریق تماس با متخصصان و فرهیختگان (سرمایه فرهنگی متجسم) بیافزایند یا به جای آن به نهادهایی که مدارک معتبر ارایه می‌دهند (سرمایه فرهنگی نهادینه) بپیوندند.

به این ترتیب کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بورديو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند. از این جهت می‌توان رویکرد او را هم

چنان که پورتس (۱۹۹۸) بیان می‌دارد ابزاری و نهایتاً فردگرایانه نامید، گرچه خاستگاه آن، عضویت در گروه و سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی و رقابت بر سر وضعیت برتر گروه‌های مسلط باشد. علاوه بر این در این نوع تحلیل از سرمایه اجتماعی تأثیر پذیری از تئوری سرمایه مارکس کاملاً مشهود است و به نظر می‌رسد می‌توان مباحث بوردیو از سرمایه اجتماعی را بیشتر یک رویکرد تضادگرا تلقی کرد.

نان لین

لین با طرح «نظریه منابع اجتماعی»^۱ (۱۹۸۲) مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دست‌یابی به منابع اجتماعی و استفاده از آن‌ها (منابع نهفته^۲ در شبکه‌های اجتماعی) می‌تواند به موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی بهتر منجر شود. بر همین اساس لین در سال‌های اخیر (۱۹۹۸) مفهوم سرمایه اجتماعی را برای طرح نظرات پیشین خود برگزیده و آن را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب، از نظر لین، سرمایه اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این گونه منابع اجتماعی در کنش‌های هدفمند (لین، ۱۹۹۹: ۷).

لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می‌کند و لذا سرمایه اجتماعی افراد را بر حسب میزان یا تنوع ویژگی‌های دیگرانی که فرد با آن‌ها پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم دارد قابل سنجش می‌داند. البته دست‌یابی به منابع و استفاده از آن‌ها خود متأثر از موقعیت فرد در ساختار سلسله‌مراتبی موجود در جامعه است. او «منابع نهفته» و «موقعیت‌های شبکه‌ای»^۳ را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و نتایج سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی را در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری^۴ و کنش اظهاری^۵ طبقه‌بندی می‌نماید. برای کنش ابزاری سه گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را مطرح می‌کند: بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و بازدهی اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می‌نویسد: «به نظر من شهرت یکی از شاخص‌های بازدهی اجتماعی است.

1- Social Resource Theory

2- Embedded Resource

3- Network Location

4- Instrumental Action

5- Expressive Action

شهرت را می‌توان به مثابه نظرات مساعد با نامساعد درباره فرد در یک شبکه اجتماعی تعریف کرد» (لین، ۱۹۹۹: ۱۱).

در کنش اظهاری، سرمایه اجتماعی ابزاری است برای تحکیم منابع و دفاع در برابر از دست دادن احتمالی منابع. او سه نوع بازدهی را در این رابطه ذکر می‌کند سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی. سلامت جسمانی مستلزم حفظ توان کارکردی جسمانی و رهایی از بیماری‌ها و آسیب دیدگی است. سلامت روانی، توانایی پایداری در برابر تنش‌ها و حفظ تعادل عقلی و احساسی را منعکس می‌کند. رضایت از زندگی نیز نشانگر خوش‌بینی و رضایت از عرصه‌های مختلف زندگی مانند خانواده، ازدواج، کار، جامعه و محیط زیست است. وی معتقد است اغلب اوقات کنش‌های ابزاری و کنش‌های اظهاری یکدیگر را تقویت می‌کنند (همان: ۱۲).

لین در مقایسه سرمایه اجتماعی با اشکال دیگر سرمایه، سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی را شکل‌های شخصی سرمایه می‌نامد، حال آن‌که برای سرمایه اجتماعی عنوان «دارایی ارتباطی»^۱ را به کار می‌برد. سرمایه‌گذاری در این شکل سرمایه، نه بر روی فرد بلکه بر روی روابط صورت می‌گیرد، یعنی این‌که افراد برای دست‌یابی به سود در تعاملات و شبکه‌سازی شرکت می‌کنند. وی به مواردی در چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند که معتقد است در اشکال شخصی سرمایه به آن پرداخته نمی‌شود. به طور مثال او به تسهیل جریان اطلاعات در برخی پیوندهای اجتماعی اشاره می‌کند که به واسطه آن اطلاعات سودمندی درباره فرصت‌ها و انتخاب‌ها به فرد می‌رسد و یا پیوندها می‌توانند یک سازمان و کارگزاران یا حتی جامعه را از وجود و علایق افرادی که در صورت فقدان پیوندها ناشناس باقی می‌مانند، آگاه کند. چنین اطلاعاتی هزینه مبادله سازمان را برای بهره‌گیری از افراد بهتر و هزینه مبادله افراد را برای یافتن سازمان‌های بهتر، کاهش می‌دهد. دیگر این‌که این پیوندهای اجتماعی ممکن است کارگزاران (مسئولان استخدام یا مدیران سازمان) را که نقشی حیاتی در تصمیم‌گیری‌ها (استخدام یا ارتقا) دارند، تحت تأثیر قرار دهد. هم‌چنین سازمان یا کارگزارانش ممکن است منابع پیوندهای اجتماعی افراد را گواه اعتبار اجتماعی افراد تلقی کند که بخشی از آن در سرمایه اجتماعی فرد انعکاس می‌یابد و می‌تواند منابع افزوده‌ای را فراهم سازد که برای سازمان سودمند باشد.

1- Relational Asset

نهایتاً این که انتظار می‌رود روابط اجتماعی هویت و اعتبار را تقویت کند. اطمینان فرد از ارزش خود به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی که در منافع و منابع مشابهی شریکند موجبات حمایت عاطفی و تأیید همگانی دعوی فرد را نسبت به منابع معین فراهم می‌کند. این تأیید برای حفظ سلامت فکری و استحقاق بهره‌مندی از منابع ضروری است. لین چهار عنصر «اطلاعات»، «نفوذ»، «اعتبار اجتماعی» و «تأیید» را توضیح چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در کنش‌های ابزاری و کنش‌های اظهاری می‌داند (لین، ۲۰۰۱: ۲۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مباحث لین صرفاً بر منافع فردی سرمایه اجتماعی متمرکز است و سرمایه اجتماعی را در درجه اول امری فردی می‌داند که افراد با انگیزه کسب سود برای خود، اقدام به سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی می‌نمایند. اگر چه ممکن است به زعم لین مانند سرمایه انسانی، سرجمع این دارایی‌های ارتباطی به نفع جامعه نیز تمام شود.

جیمز کلمن

سرمایه اجتماعی در مباحث کلمن به گونه‌ای متفاوت، از نظراتی که پیش از این طرح گردید دنبال می‌شود. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: «روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند، و نباید تنها به عنوان اجزاء ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آن‌ها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۸ و ۴۶۲).

کلمن به جای تعریف سرمایه اجتماعی بر حسب ماهیت و محتوی، به کارکرد آن توجه دارد: «سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند. یک) همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند؛ دو) کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کنند و دست‌یابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست نیافتنی خواهند بود امکان‌پذیر می‌سازند» (همان: ۴۶۲).

در تعاریف فوق، تأکید کلمن بر منافع فردی سرمایه اجتماعی، متأثر از به کارگیری نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار است: «من از مفهوم عقلانیت در اقتصاد استفاده می‌نمایم،

مفهومی که اساس کنشگر عقلانی در نظریه اقتصادی راتشکیل می‌دهد، و می‌توان آن را این گونه بیان کرد که کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد» (همان: ۳۲).

کلمن در حالی که بر استفاده افراد از منابع ساختی اجتماعی در کنش‌هایشان برای به دست آوردن بهترین نتایج تأکید می‌ورزد ولی بر طبیعت جمعی سرمایه اجتماعی نیز اصرار دارد. او معتقد است که سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم‌پذیر و انتقال‌پذیر، که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است متمایز می‌سازد. سپس ویژگی‌های این کالای عمومی را چنین بر می‌شمرد:

۱. به آسانی مبادله نمی‌شود اگر چه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد.
۲. سرمایه اجتماعی دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و این به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است.
۳. نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد زیرا انگیزه برای سرمایه‌گذاری در آن وجود ندارد یا ضعیف است، برخلاف سرمایه فیزیکی که به واسطه منافع شخصی‌اش انگیزه برای سرمایه‌گذاری کاهش نمی‌یابد. سرمایه اجتماعی با این که منبع مهمی برای افراد است و می‌تواند بر توانایی انجام کنش و کیفیت زندگی آن‌ها بسیار تأثیرگذار باشد، با وجود این از آنجا که بسیاری از منافع کنش‌هایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند، توسط افرادی غیر از فردی که آن را ایجاد کرده کسب می‌شود، به سود فرد نیست که آن را به وجود آورد. نتیجه این می‌شود که بیشتر شکل‌های سرمایه اجتماعی به شکل نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر ایجاد یا نابود می‌شود. اگر چه کلمن به عوامل ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی اشاره دارد و معتقد است عواملی نظیر «فروبستگی شبکه اجتماعی»، «ثبات ساختار اجتماعی»، و «ایدئولوژی» بر حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی مؤثر هستند.
۴. نهایتاً این که سرمایه اجتماعی در صورت استفاده بیشتر برخلاف بعضی اشکال دیگر سرمایه نه تنها مستهلک نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد (همان: ۹۰-۴۸۲).

کلمن با این که از جهت طرح مفهوم سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی آمریکا و مطالعه تجربی‌اش در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی در آموزش و پرورش، و نیز بحث‌های نظری‌اش در زمینه سازوکارهای مولد سرمایه اجتماعی، نظیر بحث فروبستگی (وجود پیوندهای کافی در بین عده‌ای معین از مردم برای تضمین رعایت هنجارها) مورد تأیید

و تکریم قرار گرفته است، ولی از جهاتی نیز مورد انتقاد واقع شده است. پورتس او را از این جهت که منابع سرمایه اجتماعی را با خود سرمایه اجتماعی و یا پیامدهای سرمایه اجتماعی، یکسان می‌انگارد و همه را سرمایه اجتماعی می‌نامد، مورد نقد قرار می‌دهد:

«او ساز و کارهایی را که مولد سرمایه اجتماعی (مثل تعهد و انتظارات و تقویت گروهی هنجارها) و یا تبعات در اختیار داشتن سرمایه اجتماعی (مانند دست‌رسی نابرابر به اطلاعات) تحت نام سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. برابر گرفتن سرمایه اجتماعی با منابعی که از طریق آن به دست می‌آید به راحتی می‌تواند به این همان‌گویی^۱ منجر می‌شود (پورتس، ۱۹۹۸: ۵). این انتقاد به مباحث کلنن از آنجا ناشی می‌شود که ضمن این که به اشکال جمعی سرمایه اجتماعی می‌پردازد و آن را نوعی کالای عمومی^۲ می‌داند ولی تأکیدش بر منافع فردی سرمایه اجتماعی آن هم در چهارچوب نظریه انتخاب عقلانی است. او حتی کمک‌های نامتقارن از سوی افراد را در جامعه که تحت عنوان تعهدات و انتظارات نام می‌برد، کنشی عقلانی می‌بیند که با انگیزه کسب سود زمان‌دار که روزی به این افراد بازپرداخت می‌شود، صورت می‌گیرد و درست به همین دلیل منافع جمعی حاصل از سرمایه اجتماعی را یک امر خود به خودی و نتیجه فرعی فعالیت‌ها معرفی می‌کند، که خود به خود به وجود می‌آیند و نابود می‌شوند. حال آن که به تعبیر نان لین سرمایه اجتماعی به عنوان «دارایی ارتباطی» می‌بایست از سرمایه اجتماعی به عنوان «دارایی جمعی»^۳ و کالاهایی مثل فرهنگ، هنجارها و اعتماد و نظیر آن متمایز گردد (لین، ۲۰۰۱: ۲۶). ولی در مباحث کلنن تمایز میان سطوح فردی و جمعی سرمایه اجتماعی صراحت ندارد و موجب ابهامات فوق می‌گردد.

رابرت پاتنام

پاتنام دیگر نظریه پرداز سرمایه اجتماعی است. او مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاسی متفاوت از بوردیو، لین و کلنن به کار می‌برد، اگر چه تعریف او از مفهوم سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر کلنن می‌باشد.

به بیان او: «سرمایه اجتماعی به خصوصیات از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (پاتنام،

1- Tautological Statements

2- Public Good

3- Collective Asset

۱۹۹۹: ۶).

پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است. به همین منظور در دو مطالعه تطبیقی، میان ایالت‌های مختلف در آمریکا (در کتاب بولینگ تک نفره) و همچنین حکومت‌های منطقه‌ای تازه تأسیس ایتالیا در شمال و جنوب در دهه ۷۰ (در کتاب سنت‌های مدنی و دموکراسی)، تأثیر سرمایه اجتماعی را در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر مورد بررسی قرار داده است. اگر چه او از منافع خصوصی سرمایه اجتماعی نیز غافل نبوده و به صورت‌های عمومی^۱ و خصوصی^۲ و جهات فردی و جمعی سرمایه اجتماعی اشاره دارد، اما به صراحت بیان می‌دارد که تمرکز و علاقه‌مندی خاص او منافع خارجی و بهره‌های عمومی سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۳؛ پاتنام و گاس، ۲۰۰۲: ۷). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آن‌ها عبارتند از:

الف - شبکه‌ها

پاتنام، مانند دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد (پاتنام و گاس، ۲۰۰۱: ۶). او با تفکیک شبکه‌های افقی یا «مساوات‌طلب» از شبکه‌های عمومی یا «انحصارطلب»، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌نماید. از نظر او شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب...) به دلیل ارابه چارچوب فرهنگی برای همکاری مولد هنجارهای اعتماد همیاری هستند. فشردگی یا تراکم شبکه و ویژگی دیگری علاوه بر ساخت شبکه است که پاتنام بر آن تأکید دارد. منظور او از فشردگی، افزایش انجمن‌ها و امکان عضویت‌های متداخل و مشارکت در عرصه‌های چندگانه زندگی اجتماعی است، (همان: ۳۱۳).

ب - هنجارهای همیاری

پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌نامد:

«ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم یافته است. من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم بی آنکه چیزی فوراً در مقابل انتظار داشته باشم، و شاید حتی بی آنکه شما را بشناسم، با این اطمینان که در طول راه شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴).

او در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن^۱ و تعمیم یافته^۲ اشاره می‌نماید. در نوع متوازن با مبادله هم زمان چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را باهم عوض می‌کنند، مواجه هستیم. اما همان‌گونه که اشاره شد، در نوع تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند، مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده بازپرداخت گردد (همان).

ج - اعتماد

یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰). پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد^۳ به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد تعمیم یافته^۴ نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد» (همان: ۱۳۶).

پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازو کارهای

1- Balanced reciprocity

2- Generalized reciprocity

3- Radius of Trust

4- Generalized Trust

تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز به شمار می‌رود (همان: ۱۳۷).

اشکال و کارکردهای سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام

پاتنام وجود اشکال متفاوت سرمایه اجتماعی و ابعاد چندگانه آن را مورد تأکید قرار داده و گوناگونی مصادیق سرمایه اجتماعی را در نزد نظریه پردازان سرمایه اجتماعی امری عادی می‌داند.

او برای فهم و ارزیابی سرمایه اجتماعی به چهار وجه تمایز اشاره دارد. پاتنام در این رابطه سرمایه اجتماعی رسمی را در مقابل غیر رسمی (انجمن‌ها یا مهمانی‌های دوره‌ای)، سرمایه اجتماعی متراکم در مقابل سرمایه اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه اجتماعی درون‌نگر در مقابل برون‌نگر (برحسب اختصاص منافع به افراد عضو یا عموم مردم) و نهایتاً سرمایه اجتماعی محدود^۱ در مقابل اتصالی^۲، مطرح می‌سازد.

سرمایه اجتماعی محدود نوعی از سرمایه اجتماعی است که مردمی را که از جهات مهمی مثل قومیت، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر آن شبیه به هم هستند، به یکدیگر پیوند می‌دهد. این شکل از سرمایه اجتماعی در گروه‌های هم‌گون دیده می‌شود که می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری^۳ و تنگ‌نظر^۴ گردد. در مقابل، سرمایه اجتماعی اتصالی بر شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که افراد غیر مشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب گردد، این نوع سرمایه از طرفی همیاری‌های تعمیم یافته را بر می‌انگیزد و از طرف دیگر دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌کند. بنابراین آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است. اما سرمایه اجتماعی محدود ضمن این که موجب هم‌بستگی در میان اعضای گروه می‌شود و حمایت‌های اجتماعی - روانی مهمی را برای اعضا فراهم می‌سازد، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون گروهی موجب ضدیت‌های برون گروهی نیز بشود. لذا آثار بیرونی منفی بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی

1- Bonding Social Capital

2- Bridging Social Capital

3- Exclusive

4- Narrow Selves

بروز یابد و اگر چه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌توانند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند. اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب از هم گسیختگی جامعه گردد. (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۳).

قابل ذکر است برخی نظریه پردازان سرمایه اجتماعی با استناد به آثار منفی سرمایه اجتماعی، بحث از جنبه تاریک سرمایه اجتماعی^۱ یا سرمایه اجتماعی منفی^۲ را پیش کشیده‌اند، مبنی بر این که سرمایه اجتماعی گاهی با تأمین منافع درون گروهی به ضرر عموم در جامعه عمل می‌کند، مثل گروه مافیا در ایتالیا و کوکلس کلان در آمریکا (پاتزل^۳، ۱۹۹۷؛ پورتس، ۱۹۹۸). حتی برخی دیگر با توجه به فعالیت‌های ضد اجتماعی این گروه‌ها، عنوان کرده‌اند که بهتر است به جای مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیم دیگری نظیر عمل جمعی یا هم‌بستگی برای توصیف این گروه‌ها استفاده نماییم (کوکس^۴، ۱۹۹۷؛ کوکس و کالدول^۵، ۲۰۰۰). در همین رابطه پاتنام گروه‌هایی مثل مافیا و کوکلاس کلان را دارای سرمایه اجتماعی می‌داند که به واسطه آن می‌توانند به طور مؤثرتری با یکدیگر همکاری نمایند، هر چند این همکاری‌های درون گروهی نتایج زیان‌آوری را برای اجتماع بزرگ‌تر به دنبال دارد (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۶۵). او مواردی نظیر نژادپرستی، فرقه‌گرایی و رشوه خواری را از جلوه‌های منفی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و می‌گوید همان‌گونه که در یک بمب‌گذاری استفاده نادرستی از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به عمل می‌آید، سرمایه اجتماعی و اصولاً هر نوع سرمایه‌ای نیز می‌تواند برای اهداف ضد اجتماعی، به کار گرفته شود که در آن صورت ما با نوع منفی و نابه‌هنجار سرمایه اجتماعی مواجه هستیم.

برخی از منتقدین پاتنام رویکرد جمعی او را از سرمایه اجتماعی مورد سؤال قرار داده و مسئله فوق را به گونه‌ای دیگر مطرح نموده و بیان داشته‌اند، کاربرد سرمایه اجتماعی در مقیاس وسیع و در یک فرمولبندی عام از جانب پاتنام آن را پیچیده می‌سازد، و این سؤال را پیش می‌آورد که چگونه ممکن است سرمایه اجتماعی الزاماً به نتایجی منتهی شود که متقابلاً برای همه در سطح منطقه‌ای و ملی سودآور بوده، و به عنوان خیر مشترک یا کالای عمومی ارزیابی

1- Dark Side of Social capital

2- Negative Side Of Social Capital

3- Putzel

4- Cox

5- Caldwell

شود (وینتر^۱، ۲۰۰۰، پاتزل^۲، ۱۹۹۷، پورتس، ۱۹۹۸). سؤال فوق از این فرض مهم در برخی نظریه‌های سرمایه اجتماعی نشئت می‌گیرد که بر سر منابع محدود اجتماعی - اقتصادی رقابتی در جامعه وجود دارد و افراد یا گروه‌ها یا طبقات به میزان برخورداریشان از سرمایه اجتماعی می‌توانند کمتر یا بیشتر از این منابع برخوردار شوند. حال چگونه از سر جمع سرمایه‌های اجتماعی افراد یا گروه‌ها خیر عامه تولید می‌شود؟ پاتنام در کتاب «بولینگ تک نفره» بیان می‌دارد:

«گزارش‌های قبلی دیدگاهی را که سرمایه اجتماعی از نوع درست، کارآمدی اقتصادی را افزایش می‌دهد، تأیید می‌نماید. هم‌چنان که اگر شبکه‌های همیاری، عمیق تر شوند همه ما منتفع می‌شویم و اگر آن‌ها تضعیف شود همه ما بهای گزافی بابت آن می‌پردازیم» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۲۵). تأکید وی بر «سرمایه اجتماعی از نوع درست» اشاره به استفاده نادرست گروه‌ها یا افراد از سرمایه اجتماعی دارد، که می‌تواند سوی تاریک سرمایه اجتماعی را ظاهر سازد، که فی‌نفسه مربوط به سرمایه اجتماعی نمی‌باشد؛ و سپس به کنایه می‌نویسد: شما می‌توانید مطمئن باشید دست‌یابی به شبکه اجتماعی به نفع شماست، اما این مسئله کاملاً روشن نیست که آیا این امر شما را در به چنگ آوردن سهم بیشتر از «پای ثابت»^۳ [منابع محدود] توانا می‌سازد، یا این که اگر همه شبکه اجتماعی غنی داشته باشیم، همگی برخوردار خواهیم شد (همان).

بدین ترتیب او ریشه نابرابری را در ذات سرمایه اجتماعی نمی‌بیند. از منظر وی سرمایه اجتماعی، خصوصاً سرمایه اجتماعی در شکل جمعی آن - هنجارهای همیاری و اعتماد - می‌تواند افراد جامعه را در حل مشکل کنش جمعی یاری برساند و در آن صورت همه افراد جامعه از برکات آن برخوردار می‌گردند.

مطالعات تجربی او نیز در همین رابطه بوده و پیامدهای عمومی و بیرونی سرمایه اجتماعی را در مقایسه ایالت‌ها، مناطق، نسل‌ها در دو کشور آمریکا و ایتالیا در زمینه موضوعاتی نظیر جامعه مدنی، دموکراسی و توسعه اقتصادی به انجام رسانده است. او در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی با دموکراسی، علاوه بر تأثیرات بیرونی (تأثیر بر کارآمدی حکومت‌ها) بر تأثیرات درونی سرمایه اجتماعی نیز تأکید داشته و آن را عامل شکل‌گیری

1- Winter

2- Patzel

3- Fixed pie

ویژگی‌های نگرشی و رفتاری معطوف به اجتماع در افراد می‌داند:

«به‌طور درونی، انجمن‌ها و شبکه‌های کمتر رسمی مشارکت‌های مدنی، عادات همکاری، روحیه جمعی و مهارت‌های عملی لازم برای شرکت در زندگی جمعی را به اعضای خود القا می‌کنند. آن‌ها هم‌چنان که عادات دموکراتیک را القا می‌نمایند، فرصتی برای یادگیری سجایای مدنی هستند» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۸). در جایی دیگر نیز از پاتنام می‌خوانیم:

«مردمی که ارتباطات فعال و اعتماد آمیز با یکدیگر دارند - چه فامیلی، چه دوستان یا بازیکنان بولینگ - خصوصیات شخصیتی مفید به حال جامعه در آن‌ها گسترش می‌یابد. این افراد بردبارتر هستند، کمتر بدبین و خودخواه هستند و بیشتر با مشکلات دیگران همدلی دارند» (همان: ۲۸۸).

به این ترتیب از نظر پاتنام تأثیر درونی سرمایه اجتماعی بر جامعه مدنی و گسترش دموکراسی، افزایش شهروندانی با جهت‌گیری معطوف به اجتماع و قانون‌مدار می‌باشد که با دولت بهتر همکاری می‌کنند.

پاتنام در آثار اولیه خود در بحث از سرمایه اجتماعی و دموکراسی، بیشتر به نقش انجمن‌ها و مشارکت‌های مدنی و اجتماعی مردم در کارآمدی دموکراسی پرداخته است و به تعبیر لوی^۱ منشأ همه کارهای مهم در آثار اولیه او شهروندان هستند، و اثر دولت در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و یا اعتماد ناچیز شمرده شده است. منتقدین پاتنام به اشکال مختلف به این مطلب پرداخته‌اند. و از این که پاتنام نقشی برای نهادهای دموکراتیک نظیر حکومت در خلق سرمایه اجتماعی قائل نیست، بر او خرده گرفته‌اند و دلیل آن را برقراری رابطه علی و خطی میان مشارکت مدنی در انجمن‌های داوطلبانه، با پیشرفت نهادهای دموکراتیک به جای یک رابطه پویا و متقابل میان این دو بیان کرده‌اند (وینتر، ۲۰۰۰).

برخی دیگر نیز تز او را تا آن حد جامعه محور دانسته‌اند که نقش دولت‌ها را در تشکیل و افزایش سرمایه اجتماعی نادیده می‌گیرد (اسکاچپل و همکاران، ۲۰۰۰ - لوی ۱۹۹۶). حتی کوهن (۱۹۹۹) از آن لحاظ که نظریه وی می‌تواند محملی برای محافظه کاران باشد و بار همه خدمات اجتماعی را از طریق فعالیت‌های داوطلبانه شهروندان به دوش جامعه بیاندازد، مشکوک می‌شمرد. و بیان می‌دارد، پاتنام به دلیل تأکید زیادش بر مشارکت شهروندان در انجمن‌های افقی متشکل از همسانان، عملاً نقش قانون و نهادهای سیاسی را در شکل‌گیری و

1- Levi

حفظ سرمایه اجتماعی نادیده گرفته است. در حالی که بدون مشارکت نهادهای سیاسی و کمک قانون، هیچ مکانیسم دیگری نمی‌تواند اعتماد شکل گرفته میان افراد را در گروه‌های کوچک دارای روابط چهره به چهره، به اعتماد عمومی میان فرد و سایر افراد جامعه تبدیل کند (کاظمی پور، ۱۳۸۲: ۲۱).

پاتنام در یکی از آخرین آثار خود به‌طور تلویحی این انتقاد را پذیرفته و در کنار عواملی نظیر تکنولوژی و نقش رهبران سیاسی و اخلاقی، نقش دولت را مورد تأکید قرار داده و به اشکال مختلفی که دولت‌ها از طریق نهادهای حکومتی و سیاست‌های معین می‌توانند در شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی مؤثر باشند، اشاره کرده است. (پاتنام و کاس، ۲۰۰۲).

فرانسیس فوکویاما^۱

مباحث و مطالعات فوکویاما پیرامون سرمایه اجتماعی نیز مانند پاتنام در سطح کلان دنبال شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آن‌ها مورد بررسی قرار داده است. بنابراین تعریف او از سرمایه اجتماعی نیز طبعاً یک تعریف جمعی بوده و سرمایه اجتماعی به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌گردد.

«سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد، که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۱).

فوکویاما مانند پاتنام هنجارهای همیاری را شالوده سرمایه اجتماعی معرفی می‌نماید و می‌نویسد:

«فرض بر این است که سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند» (همان: ۹۰-۲۰). هم چنین او مفهوم شبکه را در ارتباط با سرمایه اجتماعی طرح می‌نماید:

«از دیدگاه سرمایه اجتماعی، شبکه به عنوان نوعی سازمان رسمی به تعریف درنیامده بلکه به صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می‌شود. شبکه گروهی از عاملان منفردی است که در هنجارها یا ارزش‌های فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای دادوستدهای

1- Francis Fukuyama

متداول بازار مشترک هستند. هنجارها و ارزش‌هایی که در این تعریف جای می‌گیرند از هنجار ساده دو سویه مشترک بین دو دوست گرفته، تا نظام‌های ارزشی پیچیده که مذاهب سازمان یافته ایجاد کرده‌اند، ادامه می‌یابد. (همان: ۶۹).

از طرف دیگر فوکویاما شبکه را یک سازمان هموار می‌نامد که با سازمان مبتنی بر سلسله مراتب متفاوت است چرا که در آن مقررات بوروکراتیک و اقتدار رسمی با هنجارهای غیر رسمی مشترک که در میان اعضا درونی شده است، جایگزین می‌شود (همان: ۷۱).
ملاحظه می‌شود مؤلفه‌های مورد بحث پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی اعم از شبکه‌های مشارکت مدنی با روابط افقی یا هنجارهای اعتماد و همیاری، در بحث فوکویاما نیز تکرار می‌شود.

او با تفکیک گروه‌های خیریه داوطلبانه از گروه‌هایی که برای منافع خاص اعضای آن‌ها با یکدیگر همکاری می‌نمایند، دسته اول گروه‌ها را به واسطه برخورد ایشان از اعتماد با شعاع مثبت مولد سرمایه اجتماعی می‌داند و مفید به حال جامعه مدنی معرفی می‌نماید (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۵۲).

در همان حال به رابطه معکوس میان پیوندهای مستحکم اخلاقی داخل گروه با میزان اعتماد اعضای گروه به افراد غیر عضو اشاره دارد (شعاع بی‌اعتمادی) که گاهی اوقات موجب کاهش همکاری مؤثر گروه با جامعه کل می‌گردد.
فوکویاما ضمن تأیید اهمیت خانواده به مثابه شکلی از سرمایه اجتماعی، به جوامعی اشاره دارد که در آن‌ها توازنی میان مناسبات خانوادگی و مناسبات غیر خانوادگی وجود نداشته و بر مناسبات خانوادگی به زیان دیگر مناسبات اجتماعی تأکید می‌شود (خانواده مداری غیر اخلاقی).^۱

و اصولاً بدلیل وجود روابط اخلاقی غیر رسمی در شبکه‌ها، وجود پدیده‌هایی از قبیل آشناپرویی، پارتی بازی، ناشکیبایی، نژادگرایی را همیشه محتمل می‌داند، که البته می‌بایست از اشکال واقعی سرمایه اجتماعی تفکیک گردند. از نظر او فوکویاما مفهوم شعاع اعتماد بر توانایی افراد جامعه به فراتر رفتن از خانواده و خویشان داشتن همکاری و همیاری با دوستان و دیگران شهروندان خلاق می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱۷).

با این حال خانواده نوع مهمی از سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید که از نظر فوکویاما زوال

آن در جامعه آمریکا به اشکال گوناگون بر کاهش سرمایه اجتماعی در آن جامعه مؤثر بوده است. افزایش جرم و جنایت، خودکشی، الکلیسم، مصرف مواد مخدر و فرزندان نامشروع از یک سو و کاهش مشارکت‌های مدنی و کاهش اعتماد از سوی دیگر نتیجه زوال خانواده و از نشانه‌های فروپاشی بزرگ^۱ به زعم فوکویاما (۱۹۹۹) می‌باشد. او بر خلاف دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی صرفاً بر خصلت جمعی سرمایه اجتماعی تأکید می‌نماید:

«سرمایه اجتماعی... زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروه‌هاست و نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنا دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. گروهی که حامی سرمایه اجتماعی اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترکاً همکاری می‌نمایند و یا ممکن است در مقیاس بزرگ‌تری تمامی یک ملت باشد» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳). به همین دلیل کارکرد سرمایه اجتماعی (بازدهی سرمایه) در نظریات فوکویاما در سطح جامعه است، او معتقد است میزان بالای اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کارآتر می‌شود چرا که باعث حذف یا کاهش هزینه‌های مربوط به چانه‌زنی و مراقبت بر اجرای مفاد قراردادهای اقتصادی می‌گردد. او هم چنین کارکرد دیگر سرمایه اجتماعی در سطح کلان را تقویت دموکراسی پایدار از طریق تقویت جامعه مدنی می‌داند: «جامعه مدنی که در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی کانون توجه نظریه پردازان مردم سالاری بوده است، در مقیاس وسیعی محصول سرمایه اجتماعی است» (همان: ۱۳).
به این ترتیب فوکویاما در زمره کسانی نظیر کلمن و پاتنام قرار می‌گیرد که سرمایه اجتماعی را نوعی کالای عمومی یا به تعبیر نان لین دارایی جمعی قلمداد می‌کنند.

مقایسه رویکردهای نظری سرمایه اجتماعی

نظریات سرمایه اجتماعی روابط و تعاملات اجتماعی را شاخص‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرند. به رغم تفاوت‌های ساختاری و محتوایی، آنچه به مثابه شیرازه‌ای محکم این رویکردهای متفاوت را تحت عنوان واحد نظریه‌های سرمایه اجتماعی جمع می‌نماید موضوع تعاملات و روابط اجتماعی افراد در درون شبکه‌هاست.

1- Great Disruption

اما با وجود این اشتراک نظری - تأکید بر خصلت تعاملی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی - تفاوت‌های عمده نظریه‌های سرمایه اجتماعی را از خلال مباحث متفکران معروف این حوزه می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

الف - نوع دارایی

این مسئله که سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی فردی تلقی شود یا این که دارایی جمعی (گروه - اجتماع - منطقه - ملی) به حساب آید، جای توجه دارد. اغلب صاحب نظران فوق به هر دو وجه عمومی و خصوصی سرمایه اجتماعی اذعان دارند و بین این دو مغایرتی نمی‌بینند اگر چه هر کدام وجهی از این دو را وجه نظر اصلی خود قرار داده‌اند.

نان لین، سرمایه اجتماعی را یک «دارایی ارتباطی» برای فرد تعریف می‌کند. وی با این عبارت، ضمن تأکید بر خصلت تعاملی سرمایه اجتماعی افراد، آن را از سرمایه‌های شخصی (سرمایه مادی و سرمایه انسانی) تفکیک می‌نماید. از نظر لین سرمایه اجتماعی منابع نهفته در ساختار اجتماعی است که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. سرمایه اجتماعی در این شکل قابل مقایسه با سرمایه انسانی است و درست مثل آن، در صورت تجمع می‌تواند سرمایه اجتماعی جمع نیز باشد و البته بین سرمایه اجتماعی جمع و گروه در شکل فوق و دارایی جمعی - شامل هنجارهای اعتماد و همیاری - تمایز قائل است.

بورديو، کلمن، پاتنام و فوکویاما از جمله افرادی هستند که سرمایه اجتماعی را دارایی گروه و جمع می‌دانند. اگر چه در تعریف کلمن و پاتنام سرمایه اجتماعی به عنوان وجهی از ساختار اجتماعی و ویژگی‌های سازمان اجتماعی دیده شده است ولی هر دو بر جنبه خصوصی و فردی سرمایه اجتماعی تأکید می‌نمایند و خصوصاً کلمن سرمایه اجتماعی را در شکل فوق وسیله‌ای جهت دستیابی فرد به منافعش ارزیابی می‌نماید. در تعریف بورديو از سرمایه اجتماعی، به اندازه شبکه فرد و حجم و ترکیب دارایی‌های افرادی که فرد با آن‌ها ارتباط دارد اشاره شده است که به نظر می‌رسد به تعریف لین نزدیک است. ولی این سرمایه از طریق عضویت فرد در گروه به دست می‌آید و از این جهت سرمایه اجتماعی در واقع دارایی‌های مادی و فرهنگی یک گروه محسوب می‌شود که فرد از طریق عضویت و مشارکت و مبادلات و شناسایی‌های متقابل با اعضای گروه می‌تواند از آن‌ها برخوردار گردد. در بحث فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی، دارایی گروه و ملت به حساب می‌آید و آن هنجارهایی است که همکاری

میان افراد جمع را تسهیل می‌نماید که این نیز به تعریف پاتنام نزدیک است. بنابراین نکته قابل تأمل در تعاریف فوق، تفکیک سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی فردی از سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی جمعی است زیرا مصادیق این دو کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. در یکی بحث از منابع نهفته در ساختار اجتماعی است که بر حسب موقعیت شبکه‌ای فرد و کنش‌های ابزاری یا اظهاری قابل دست‌رسی می‌باشند (مثل دست‌یابی به شغل بهتر یا سلامت روانی بیشتر) و در دیگری به نوع خاصی از شبکه‌های اجتماعی که با هنجارهای اعتماد و هم‌یاری تعریف می‌شوند، اشاره می‌شود. این تفکیک در مباحث لین به صراحت و دقت انجام پذیرفته است. او یکی از این موارد را دارایی ارتباطی و دیگری را دارایی جمعی می‌نامد. لین البته اولی را به عنوان سرمایه اجتماعی می‌شناسد که سرجمع آن می‌تواند سرمایه اجتماعی گروه به حساب آید، ولی دومی را صرفاً دارایی جمعی می‌نامد و از نام‌گذاری آن به عنوان سرمایه اجتماعی گروه یا اجتماع یا ملت، یعنی چیزی که پاتنام، کلمن و فوکویاما انجام داده‌اند، اجتناب می‌ورزد. صرف نظر از جنبه نام‌گذاری مسئله، این تفکیک بسیار مهم به نظر می‌رسد. زیرا ابهام آن می‌تواند پیامدهای منفی در مطالعات تجربی به دنبال داشته باشد.

ب - نوع روابط

ساختار شبکه‌های اجتماعی افراد، محور دیگری است که در نظریات سرمایه اجتماعی به اشکال مختلف مطرح شده است. در مباحث کلمن و بورديو تأکید بر شبکه‌های فشرده و فروبسته گروه، جهت اعمال هنجارهای مؤثر و یا حفظ هویت و بازتولید گروه است. لین از موقعیت شبکه‌ای فرد در یک شبکه سلسله‌مراتبی بحث می‌نماید که بر حسب نوع سود مورد انتظار، کنش و موقعیت فرد می‌تواند بر پیوندهای ضعیف¹ یا قوی متمرکز باشد. در سطح جمعی سرمایه اجتماعی نیز، پاتنام بر حسب کارکردهای هر کدام از روابط مذکور هر دو شکل روابط فشرده یا ضعیف را مورد تأکید قرار می‌دهد که یکی مناسب هم‌بستگی درون‌گروهی است و دیگری موجب انسجام کل جامعه از طریق اتصال بخش‌های مختلف جامعه می‌گردد. و مورد آخر یا روابط افقی در شبکه‌های مشارکت مدنی مورد اشاره پاتنام و شبکه‌های هموار مورد بحث فوکویاما نیز هست که خاستگاه هنجارهای هم‌یاری و اعتماد می‌باشند.

1- Weak Ties

ج - نوع بازدهی سرمایه

نظریات مطرح در این بخش را می‌توان بر حسب سطح بازدهی سرمایه (سود) نیز از یکدیگر تفکیک نمود. بخش قابل توجهی از مباحث سرمایه اجتماعی در شکل دارایی فردی، بر منافع فردی و بازدهی سرمایه در سطح افراد متمرکز هستند. از این منظر چگونگی استفاده فرد از سرمایه اجتماعی خود مطرح می‌باشد. به‌طور مثال «کاربرد خاص بوردیو از مفهوم سرمایه اجتماعی [ته تعریف او از سرمایه اجتماعی] با این موضوع که چگونه افراد از سرمایه اجتماعی برای بهبود وضعیت اقتصادیشان در جامعه سرمایه‌داری استفاده می‌کنند، ارتباط دارد» (وینتر، ۱۹۹۹: ۲). همچنین، کلمن از منافع فردی سرمایه اجتماعی - حتی در شکل جمعی و تسهیل کنش فردی برای دستیابی سود - بحث می‌کند. به‌طور مثال مطالعه او در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان و نهایتاً دستیابی به سرمایه انسانی از موارد فوق می‌باشد.

نان لین نیز همان‌طور که پیش از این اشاره شد نتایج سرمایه فردی در دو سطح مادی (ثروت، قدرت، شهرت) و غیرمادی (رضایتمندی از زندگی و سلامت فکری...) ملاحظه می‌نماید. متقابلاً در نظریات فوکویاما و پاتنام بازدهی سرمایه در سطح جامعه با مضامین بهبود در کارآمدی دموکراسی و رشد اقتصادی مطرح است. اگر چه پاتنام اختصاصاً آثار درونی سرمایه اجتماعی را در سطح خرد و در رفتارها و گرایشات افراد مورد توجه قرار می‌دهد ولی آنها نیز رفتارها و گرایشاتی معطوف به منافع اجتماعی و نه منافع شخصی و خصوصی هستند.

د - نوع هنجاری سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در اشکال خصوصی خود (خواه فردی یا گروهی) برای جامعه کل و یا اجتماعات و گروه‌های دیگر جامعه الزاماً مفید نیست. در این رابطه با طیفی از برداشت‌های منفی و مثبت از سرمایه اجتماعی مواجه هستیم. سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو مانند سایر اشکال سرمایه ابزار است جهت باز تولید موقعیت برتر گروه و نهایتاً موقعیت برتر فرد که به قیمت محرومیت دیگر گروه‌ها و افراد در برخورداری از منابع، تمام می‌شود. لذا، در اغلب موارد در مباحث بوردیو سرمایه اجتماعی در اشکال منفی ظاهر می‌شود. اگرچه، سرمایه اجتماعی در مباحث لین و کلمن نهایتاً کاربردی فردی دارد و در نتیجه رقابتی است، با این

وجود، بحث جدی پیرامون سرمایه اجتماعی منفی یا جنبه تاریک آن مطرح نمی‌شود و لذا برخوردی مثبت یا حداکثر بی طرف ملاحظه می‌شود. در عین حال، سرمایه اجتماعی در مباحث پاتنام و فوکویاما برحسب این که مفید به حال جامعه کل باشد یا خیر، ارزیابی می‌شود. به طور مثال، خانواده مداری غیراخلاقی، باندگرایی و گروه‌های بزهکار، مصادیقی از سرمایه اجتماعی در اشکال منفی می‌باشد. بنابراین در نزد پاتنام و فوکویاما سرمایه اجتماعی واقعی^۱ را صرفاً می‌توان با رجوع به تأثیر مساعد و سودمند آن برای جامعه، شناسایی نمود.

محورهای فوق موارد عمده مورد اختلاف میان صاحب نظران، در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی است که موجب پدید آمدن رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است.

جدول ۲ خلاصه ساده‌ای از طرح مفهومی اصلی از سرمایه اجتماعی است. و در آن مباحث صاحب نظران فوق با یکدیگر از جهت تعریف سرمایه اجتماعی، اهداف سرمایه اجتماعی و مقیاس اجتماعی که سرمایه اجتماعی در آن به کار رفته، مقایسه شده و جهت گیری فردی یا جمعی آنان نیز معلوم گردیده است.

جدول ۲- تعاریف، اهداف، تحلیل و منافع حاصل از سرمایه اجتماعی

نظریه پرداز	تعریف	اهداف	سطح تحلیل	بازدهی سرمایه
بورديو	منابعی که دسترسی به کالاهای گروهی را فراهم می‌سازد	تأمین سرمایه اقتصادی	افراد در رقابت‌های طبقاتی	خصوصی (فردی و گروهی)
لین	دست‌رسی و استفاده از منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی	تأمین منابع نهفته در روابط حفظ منابع موجود	افراد در شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی	خصوصی (فردی)
نظریه پرداز	تعریف	اهداف	سطح تحلیل	بازدهی سرمایه
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش‌های هدفمند کنشگران را تسهیل می‌نمایند	تأمین سرمایه انسانی	افراد در زمینه‌های خانوادگی و اجتماع	خصوصی و عمومی (فردی و جمعی)
پاتنام و فوکویاما	هنجارهای اعتماد و همبازی و شبکه‌ها که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌نمایند	تأمین دموکراسی کارآمد و توسعه اقتصادی	مناطق و اجتماعات و گروه‌ها در زمینه‌های ملی و بین‌المللی	عمومی (جمعی)

نتیجه گیری:

به این ترتیب، با در نظر گرفتن تفاوت‌های فوق در یک طبقه‌بندی کلی دو رویکرد فردی و جمعی در نظریه‌های سرمایه اجتماعی قابل تشخیص است. در رویکرد فردی، سرمایه اجتماعی جنبه خصوصی می‌یابد و منافع آن به گروه یا طبقه خاص و نهایتاً فرد تعلق می‌گیرد. به طور مثال همان‌گونه که ملاحظه شد، نان لین، بازده و منافع سرمایه اجتماعی در سطح فردی را در یک طبقه بندی کلی، برحسب کنش‌های ابزاری یا اظهاری فرد، در دو دسته قدرت، ثروت و حیثیت از یک سو و سلامتی روحی، جسمی و رضایت از زندگی از سوی دیگر تعریف می‌نماید که فرد بواسطه میزان برخورداریش از سرمایه اجتماعی (دارایی‌های نمادی و مادی فرد، گستردگی و تنوع ارتباطات اجتماعی فرد و موقعیتش در شبکه اجتماعی) آن‌ها را به دست می‌آورد (لین، ۲۰۰۱: ۲۴۶)، یا توجه بوردیو به سرمایه اجتماعی از آن لحاظ است که آن را به عنوان منبعی برای فرد جهت دستیابی به سرمایه اقتصادی در گستره‌ای از موقعیت‌های اجتماعی تلقی می‌نماید. هر چند دستیابی به این منابع از طریق عضویت گروهی ممکن گردد. هم‌چنان که کلمن حضور سرمایه اجتماعی در شبکه‌های خانوادگی و اجتماع را منبعی برای سرمایه انسانی افراد قلمداد می‌کند و اصولاً آن را ویژگی‌های ساختار اجتماعی معرفی می‌نماید که می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد و تسهیل کنش‌های هدفمند آنان عمل نماید. حال آن‌که در رویکرد جمعی سرمایه اجتماعی، شبکه‌های افقی و یا هموار به ترتیب، در نظریات پاتنام و فوکویاما و هنجارهای اعتماد و همیاری درون این شبکه‌ها، منابع سرمایه‌ای هستند که ذاتاً اجتماعی بوده و با حل مشکل کنش جمعی، توسعه اقتصادی و سیاسی را در سطح منطقه و کشور موجب می‌گردند. موارد متعدد دیگری نظیر کاهش نرخ جنایت، کاهش مراجعات و محکومیت‌های بزهکارانه، برابری‌های اقتصادی، مدنی و جنسیتی، همگی از مصادیق کارکردهای سرمایه اجتماعی در سطح جامعه و به نفع عموم و نه فرد یا گروه خاص می‌باشند.

تفکیک سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی فرد از سرمایه اجتماعی به عنوان دارایی اجتماع بسیار مهم است زیرا خلط سطح فردی و جمعی سرمایه موجب ابهام در مصادیق و ناتوانی در سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی جمعی می‌گردد. به طوری که کلمن نیز در مقایسه سرمایه اجتماعی با سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، آن را یک مفهوم کیفی غیر قابل اندازه‌گیری معرفی می‌نماید. هم‌چنان‌که این ابهام در مباحث پاتنام نیز موجب انتقاداتی گشته و

جمع جهت‌گیری‌های فردی و جمعی سرمایه اجتماعی در بحث او نیز زیر سؤال رفته است. در نظریات فوکویاما اگر چه بحثی از این تفکیک به میان نیامده است، ولی از آنجایی که وی صرفاً بر اشکال جمعی سرمایه اجتماعی تمرکز دارد، اصولاً ابهامی نیز از این جهت در کارهای او دیده نمی‌شود.

از طرف دیگر برحسب این که این نظریات در حوزه جامعه‌شناسی نظم و یا حوزه جامعه‌شناسی تضاد مطرح گردند با یکدیگر متفاوت خواهند بود. به طور مثال آنچه موجب تفاوت نظر بوردیو با دیگران خصوصاً کلمن در زمینه سرمایه اجتماعی می‌گردد، تأکید او بر نقش سرمایه اجتماعی در باز تولید طبقات ممتاز و در نتیجه موقعیت برتر افراد در یک ساخت نابرابر اجتماعی (نظام سرمایه‌داری) است. از همین رو نظریات او با دیدگاه تضاد و در مقابل نظریات کارکردگرایانه کلمن توصیف می‌گردد (پوپ،^۱ ۲۰۰۰: ۲) و به تعبیر لین یکی بسط و گسترش دیدگاه مارکس از تئوری سرمایه و دیگری گسترش مفهوم انسجام^۲ و دیدگاه دورکیم از روابط اجتماعی است (لین، ۲۰۰۱: ۲۴).

در پایان می‌بایست اضافه نمود که به رغم تفاوت‌های فوق رویکردهای مذکور به واسطه تأکید مشترکشان بر روابط و تعاملات اجتماعی به عنوان محور اصلی سرمایه‌گذاری همگی تحت عنوان واحد «نظریه‌های سرمایه اجتماعی» نامیده می‌شوند و به دلیل مضمون مشترکشان مبنی بر سرمایه‌گذاری بر روابط اجتماعی برای کسب سود، اعم از خصوصی یا عمومی، در کنار سایر «نظریات سرمایه» اعم از کلاسیک و جدید، قرار می‌گیرند.

منابع

- بوردیو، پیر (۱۳۸۱) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایران
- کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲) سرمایه اجتماعی در ایران، گزارش چاپ نشده، تهران:

وزارت ارشاد اسلامی.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.

- Bourdieu, Pierre, (1997) [(1983)] "The Forms of capital" in A. H. Halsey, Philip, Brown, Lauder weus, Amy stuart(eds) *Education, Culture, Economy society*, London, Oxford University Press.

- Bourdieu, Pierre. (1990) *The Logic of Practice*. Cambridge: Polity.

- Cohen, Jean L. (1999) "American Civil Society Talk", in Robert K. Fullinwider (ed.), *Civil Society, Democracy, and Civic Renewal*, New York: Rowman & Littlefield Publishers, Inc. pp. 55-85.

- Coleman, James S. (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94 (Supplement): S95-S120.

- Coleman, James S. (1990) *Foundations of Social Theory*, Cambridge: Harvard University Press.

- Cox, E. (1997), "Building Social Capital", *Health Promotion Matters*. 4, pp.1-4.

- Cox, E. and Caldwell, P. (2000) "Making Policy Social", in I Winter,(ed.), *Social Capital and Public Policy in Australia*, *Australian Institute of Family Studies, Melbourne*, pp. 43-73.

- Fukuyama, F. (1999) *The Great Disruption, Human Nature and the Reconstitution of Social Order*, New York: Simon and Schuster.

- Hardin, Russell, (1999) "Do We Want Trust in Government?", in Mark, E. Warren (ed.) *Democracy and Trust*, Cambridge University Press. pp 22-421

- Levi, Margaret, (1996) "Social and Unsocial Capital: A Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work", *Politics and Society*, 24, pp. 45-55.

- Lin, Nan, (1982) " SocialResources and Instrumental Action", in peter V. Marsden and Non Lin(eds.) *Social Structure and Network Analysis*, Beverly Hill, Ca: Sage.
- Lin, Nan, (1999) "Building a Network Theory of Social Capital". in, Nam Lin, Katern Cook and Ronald S. Burt, Social Capital: *Theory and Research*, NewYork: Aldine de Gruyter.
- Lin, Nan , (2001) *Social Capital: A Theory Of Social Structure and Action*, Cambridge University Press.
- Pope, Jeanette, (2000) " SocialCapital and Social Capital Indicators", Public Health Information Development Unit, University of Adelaide.
- Portes A. (1998) "Social Capital: its Origins and Applications in Modern Sociology", *Annual Review of Sociology*, 24, pp. 1-24.
- Putnam. R, (1993) Making Democracy Work, Princeton University Press.
- Putnam, Robert, D. (1995) "Tuning in, Tuning out: The Strange Disappearance of Social Capital in America", *Political Science and Politics*, 27 (4): pp. 664-683.
- Putnam, Robert, D. (1999) "TheProsperous Community: Social capital and Public Life", *The American Prospect*, Inc.
- Putnam, Robert, (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon and Schuster.
- Putnam, Robert, D. and Goss, Kristin A. (2002) "Introduction" In Putnam (ed.), Democracies in Flux, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society", Oxford University Press.
- Putzel, J. (1999) "Accounting for the Dark Side Of Social Capital Reading Robert Putnam on Democracy", *Journal of International Development*, 2, No. 7, PP 939-949.

- Schultz, Theodore, W. (1961) "Investment in Human Capital", *The American Economic Review* LI (1, March): pp 1-17.
- Skocpol, Thed, Marshall Ganz, Ziad Munson. (2000) "A Nation of Organizers", The Institutional Oorigins of Civic Voluntarism in the United States", *The American Political Science Review*, 94 (September): pp 527-721.
- Winter, Ian, (2000) "Towards a Theorised Understanding of Family life and Social Capital", *Australian Institution of Family Studies*.

